

نمایش اردوغان یا چیزی بیشتر؟

واقعیت‌های تحریم ترکیه علیه ایران

اخیراً اخباری در برخی رسانه‌ها منتشر شده است که ادعا می‌کند دولت ترکیه در تاریخ اول اکتبر ۲۰۲۵، تحت فرمان ریاست‌جمهوری دارای‌های افراد و نهادهای مرتبط با فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم ایران را مسدود کرده است. این خبر، که ظاهراً در هماهنگی با تلاش‌های بین‌المللی برای اعمال فشار بر تهران به دلیل برنامه هسته‌ای‌اش صورت گرفته، توجهات زیادی را جلب کرده است. با این حال، به‌روز کمالوندی، سخنگو و معاون امور بین‌الملل، حقوقی و مجلس سازمان انرژی اتمی ایران با قاطعیت این ادعا را تکذیب کرده و اظهار داشته: «هیچ دارای یا حسابی متعلق به سازمان انرژی اتمی یا شرکت‌های وابسته در ترکیه توقیف نشده و بررسی‌های انجام‌شده نشان‌دهنده عدم صحت این خبر است.» اگرچه اصل خبر را نمی‌شود رد کرد اما روایت صحیح از آن این است که ترکیه بر مبنای تحریم‌های شورای امنیت، آنچه را که در لیست شورای امنیت بوده تحریم کرده است اما این تحریم‌ها در تجارت بین ایران و ترکیه موضوعیت ندارد چون مثال‌هایی مانند

کشتیرانی ایران و هند در ترکیه فعالیت نمی‌کنند. البته باید توجه داشت که ترکیه همواره به عنوان یک بازیگر دوگانه در منطقه عمل کرده و تلاش داشته ضمن حفظ روابط خود با کشورهای منطقه پایبندی خود به چهارچوب تعریفی غرب را نیز نشان دهد. در همین چهارچوب پیوستن زودهنگام به قطعنامه‌های تحریمی ضد ایرانی و اعلام نمادین به رسمیت شناختن آن نیز قابل اعتراض است. مواجعه ایران باید متناسب با همسویی آنکارا با سیاست‌های ضدایرانی کاخ سفید تنظیم شود. درصورتی که آمریکا بخواهد سطح تنش در منطقه را به ایده‌های شکست‌خورده‌ای مثل خاورمیانه جدید یا لاپسرد آن زمان نقش ترکیه به عنوان عضو ناو و متحد امنیتی آمریکا نیز باید لحاظ شود. درصورتی که ترکیه بخواهد در این چهارچوب اقدام ضد ایرانی جدی چه در حوزه تحریمی و چه در حوزه امنیتی را در دستور کار قرار دهد منطقاً ایران نیز باید نوع مواجعه خود با آنکارا را بر اساس مناسبات امنیتی تنظیم کند، اما تا آن موقع می‌شود همچون بقیه همسایگان برای تأمین منافع از کانال ترکیه نیز تلاش کرد؛ کاری که برخی دیگر از کشورها از جمله روسیه نیز در دستور کار قرار داده و ضمن توجه به ماهیت دوگانه ترکیه همکاری با این کشور را بر اساس منافع خود پیش می‌برند.

واقعیت اقدام آنکارا را چگونه ببینیم

به نظر می‌رسد ترکیه با هدف اینکه خود را با آمریکا و شورای امنیت مخالف نشان ندهد یک بازی دوگانه را در پیش گرفته و تحریم‌هایی که در روابط بین تهران و ترکیه بلاموضوع تلقی می‌شوند را به رسمیت شناخته است. اگر چه می‌توان به دولت ترکیه بابت سرعت رسمیت بخشیدن به تحریم‌های ضد ایرانی معترض بود اما اینکه برخی رسانه‌های داخلی خیر اعمال تحریم‌های بلاموضوع توسط ترکیه را بزرگ نمایی کرده و مدعی بلوکه کردن دارای‌های ایران شوند باعث هم راستاشدن آن‌ها با عملیات روانی رسانه‌های غربی می‌شود.

تکذیب خبر دارای‌های سازمان انرژی اتمی در ترکیه نشان می‌دهد خبرسازی‌ها در مورد بلوکه کردن دارای‌های ایران بخشی از یک عملیات روانی برای تقویت اثر مکانیسم ماشه است که کارایی خود را تا حد زیادی از دست داده است. این مکانیسم، که تحریم‌های آن عمدتاً به صنایع هسته‌ای و تسلیحاتی محدود می‌شود، شامل حوزه تجارت انرژی و تبادلات ارزی نیست. با این حال، انتشار اخباری مانند

مسدود شدن دارای‌ها در ترکیه می‌تواند با هدف ایجاد فشار روانی و تأثیر بر بازار ارز و طلا در ایران، این تصور را القا کند که ۶ قطعنامه تحریمی شورای امنیت همچنان اثرگذار هستند حال آنکه تحریم‌های بانکی و نفتی ایران یکجانبه بوده و رسانه‌های غربی تلاش دارند با پیوند دادن این تحریم‌ها به مکانیسم ماشه تحریم‌های یکجانبه را بین‌المللی جلوه داده و برای آن مشروعبیت‌تراشی کنند. این رسانه‌ها به همین دلیل از هر دست آویزی از جمله خبر به رسمیت شناختن تحریم‌ها توسط ترکیه استفاده می‌شود اما در واقعیت اتفاق دیگری رخ می‌دهد. روابط اقتصادی ایران و ترکیه، به‌ویژه در حوزه انرژی، نشان‌دهنده وابستگی متقابل و سودآوری برای هر دو طرف است. واردات گاز ترکیه از ایران، از ۳ میلیون متر مکعب در روز در فوریه ۲۰۲۵ به حدود ۲۶ میلیون متر مکعب در روز در مه ۲۰۲۵ افزایش داشته است و نشان می‌دهد ترکیه به ویزه در حوزه انرژی وابسته به تجارت انرژی و تبادل ارزی با ایران است و بعید است در راستای تحریم‌هایی عمل کند که به این منافع آسیب بزند.

بزرگ‌نمایی اثر مکانیسم یک‌بار مصرف

خبر مسدود شدن دارای‌های در ترکیه، حتی اگر صحت نداشته باشد، می‌تواند با ایجاد التهاب در بازارهای مالی ایران، به‌ویژه در بخش ارز و طلا، تأثیرات روانی و اقتصادی داشته باشد. این نوع جوسازی رسانه‌ای، با هدف احیای اثر اسنپ‌ک اجرایی شده و سعی دارد با عملیات روانی این‌گونه القا کند که افزایش قیمت ارز و دلار ناشی از بازگشت تحریم‌های ایران ذیل شورای امنیت است، حال آنکه این تحریم‌ها حوزه‌های دفاعی و هسته‌ای را هدف قرار داده و در حوزه اقتصادی برای غرب مشروعیت ایجاد نمی‌کنند. آنچه هم اکنون علیه تجارت ایران در جهان پیگیری می‌شود ناشی از تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و متحدان اوست و ارتباط مستقیمی به ۶ قطعنامه شورای امنیت ندارد.

مکانیسم ماشه، که به بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران اشاره دارد به دلیل محدودیت‌هایش کارایی خود را از دست داده است. تحریم‌های ذیل این مکانیسم، عمدتاً بر فعالیت‌های هسته‌ای و تسلیحاتی متمرکز هستند و شامل تجارت انرژی یا تبادلات



ارزی نمی‌شوند. با این حال، طرف‌های غربی از این مکانیسم به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار سیاسی و اقتصادی استفاده کرده و اکنون تلاش دارند اثر آن را بزرگ‌نمایی کرده و با التهاب‌آفرینی در افکار عمومی ایران را وادار به پذیرش امتیازات زیاده‌خواهانه، مانند توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم یا کاهش بره موشک‌های بالستیک به زیر ۴۰۰ کیلومتر کنند. چنین درخواست‌هایی، به‌ویژه در زمینه محدود کردن تران دفاعی ایران، با منطق دفاعی کشور آن هم بعد از تحمیل یک جنگ ۱۲ روزه در تضاد است. ایران بارها اعلام کرده که تحت فشار چنین امتیازاتی را نخواهد داد. ضرب دادن به اخباری مانند مسدود شدن دارای‌های در ترکیه و عدم توجه به واقعیت‌های تجاری فی‌مابینی به وضوح بخشی از یک عملیات روانی طراحی‌شده برای حفظ فشار بر ایران است. تکذیب سریع و قاطعانه کمالوندی نشان‌دهنده آگاهی ایران از این استراتژی و تلاش برای خنثی کردن آن است.

ثبات در تجارت گازی با ترکیه علی‌رغم شرایط جنگی

پیوستن ترکیه به بلوک تحریمی ضد ایرانی با توجه به روابط اقتصادی نزدیک تهران و آنکارا منطقی به نظر نمی‌رسد. ترکیه به‌عنوان یکی از شرکای تجاری کلیدی ایران، از تبادلات ارزی و تجارت انرژی با تهران سود می‌برد. رقم تجارت رسمی بین ایران و ترکیه حدود ۱۳ میلیارد دلار است که با توجه به بالا بودن میزان مسافرت مردم بین دو کشور، میزان تجارت چمدانی و غیررسمی این رقم را بالاتر نیز می‌برد. این حجم تجارت که بخش اعظم آن در حوزه انرژی است وابستگی متقابلی ایجاد کرده که ترکیه نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. قرارداد گازی بین شرکت بوتاش ترکیه و شرکت ملی گاز ایران، که عرضه سالانه ۶۹ میلیارد متر مکعب گاز را تا ژوئیه ۲۰۲۶ تضمین می‌کند، نمونه‌ای از این وابستگی متقابل است. حتی در شرایط چالش برانگیز، مانند تعمیرات خطوط لوله یا درگیری‌های منطقه‌ای، جریان گاز ایران به ترکیه در سه‌ماهه دوم ۲۰۲۵ افزایش یافته و از ۳ میلیون متر مکعب در روز در فوریه به ۲۴ میلیون متر مکعب در روز در آوریل و کمی کمتر از ۲۶ میلیون متر مکعب در روز در ساه مه

میلادی رسیده است. اگرچه شرایط فصلی در این افزایش صادرات بی‌تأثیر نبوده اما ثبات در مجموع میزان صادرات سالیانه گاز ایران به ترکیه اثبات می‌کند که شرایط جنگی نیز نمی‌تواند ترکیه را از مسیر مقرون به صرفه‌تر تأمین نیاز خود به انرژی منصرف کند. تحویل گاز در ژانویه تا مه ۲۰۲۴ به ۵۲۰ میلیارد متر مکعب بود که در مدت مشابه ۲۰۲۵ به ۲۲۰ میلیارد متر مکعب رسیده و نشان می‌دهد ایران همچنان یک تأمین‌کننده قابل اعتماد برای ترکیه است. همچنین در فوریه ۲۰۲۵، ترکیه و ترکمنستان توافقنامه‌ای برای عرضه ۳۱۰ میلیارد متر مکعب گاز در سال امضا کردند که از اول مارس اجرایی شد و پیش‌بینی می‌شود طی پنج سال به ۲ میلیارد متر مکعب افزایش یابد. این گاز از طریق ایران با ظرفیت ۳۴ میلیون متر مکعب در روز به ترکیه تحویل داده می‌شود. این همکاری بین ترکیه و ترکمنستان که از کانال ایران اجرایی می‌شود نقش تهران را به‌عنوان یک شریک استراتژیک در منطقه تقویت می‌کند. در چنین شرایطی، اقدام ترکیه برای مسدود کردن دارای‌های نهادهای ایرانی، به‌ویژه آن‌هایی که مستقیماً به تجارت انرژی مرتبط هستند چون با منافع اقتصادی این کشور نیز در تضاد است بعید به نظر می‌رسد و حتی اگر در ظاهر نیز صورت گرفته باشد در عمل قدرت اجرایی شدن ندارد.

نقش رسانه‌ها

در تکمیل عملیات روانی پسا ماشه

یکی از جنبه‌های کلیدی این ماجرا، نقش رسانه‌ها، چه خارجی و چه داخلی، در تکمیل عملیات روانی پساماشه است. رسانه‌های خارجی با انتشار اخباری مانند مسدود شدن دارای‌ها در ترکیه، تلاش می‌کنند این تصور را ایجاد کنند که ایران تحت فشار شدید بین‌المللی قرار دارد. این نوع اخبار، حتی اگر فاقد صحت باشند، می‌توانند با تأثیر بر انتظارات عمومی و فعالان بازار، به التهاب در بخش ارز و طلا منجر شوند. برخی رسانه‌های داخلی نیز، خواسته یا ناخواسته، با بازنشر این اخبار به این عملیات روانی کمک می‌کنند. این اقدام، چه از روی ناآگاهی و چه با انگیزه‌های دیگر، به حفظ وضعیت «نه صلح نه جنگ» و القای بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی به جامعه کمک می‌کند و علیه منافع ملی ایران عمل می‌کند. بازارهای مالی، به‌ویژه بازار ارز و طلا، به شدت به انتظارات و اخبار حساس هستند. انتشار اخباری که ایران را تحت فشار شدید نشان می‌دهند، می‌تواند به افزایش تقاضای سفته‌بازی در این بازارها منجر شود و تورم را تشدید کند. این دقیقاً همان هدفی است که عملیات روانی پساماشه دنبال می‌کند؛ ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی بدون نیاز به اقدامات واقعی و پرهزینه. هدف اصلی این جوسازی رسانه‌ای، وادار کردن ایران به پذیرش خواسته‌های زیاده‌خواهانه طرف‌های غربی است. فعال‌سازی مکانیسم تک‌گلوله‌ای «اسنپ‌ک» در واقع تلاشی برای اعمال آخرین فشارهای میاسی بود که پس از فعال‌سازی ظرفیت عملیاتی آن تخلیه شد. تحریم‌های ذیل این مکانیسم، تنها اجازه بررسی کششی‌های ایرانی را می‌دهند و شامل توقیف آن‌ها یا محدودیت‌های گسترده در تجارت انرژی نمی‌شوند. در همین مورد نیز مقامات ایران بارها اعلام کرده‌اند که در صورت اقدامی علیه کشتیرانی ایران واکنش متقابل نشان می‌دهد. توقیف نفت‌کش انگلیسی مثال خوبی برای نشان دادن جدیت این هشدار است. با این حال، طرف‌های غربی با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای، تلاش می‌کنند این مکانیسم را همچنان مؤثر نشان دهند. این استراتژی، با ایجاد فشار روانی و اقتصادی، به دنبال تضعیف جایگاه ایران در مذاکرات و نقد کردن امتیازاتی است که در میدان جنگ طرف غربی نتوانسته آن را به دست بیاورد.

علی حیدری در گفت‌وگو با «فرهیختگان» با انتقاد از ترکیه برای تبعیت از تحریم‌های ضدایرانی، از وزارت خارجه خواست به این رفتار ترکیه اعتراض کند

اقدام آمریکاپسند اما نمادین

ایران انتظار نداشت ترکیه به این سرعت، تبعیت خود از تحریم‌های سازمان ملل را اعلام کند و حالا هم شکایت ایران از موضع‌گیری سریع ترکیه برای تبعیت از تحریم‌ها علیه ایران باید از سوی دستگاه دیپلماسی ایران به اطلاع دولت ترکیه برسد. این موضوعی است که علی حیدری، کارشناس مسائل ترکیه در گفت‌وگو با «فرهیختگان» پیرامون تحریم برخی افراد و نهادهای ایرانی از سوی دولت ترکیه بیان می‌کند. او البته اقدام ترکیه را یک اقدام سمبولیک سیاسی می‌داند، اما معتقد است به هر روی در دنیای سیاست، اقدام نمادین هم پیام خودش را منتقل می‌کند. دلیل نمادین بودن آن هم این است که ترکیه طبق فهرست شورای امنیت تحریم را انجام داده، درحالی‌که اغلب‌گزینه‌های آن فهرست، در ترکیه حضور و فعالیتی ندارند و آن تحریم‌ها مصادیقی در ترکیه ندارند.

گفته می‌شود دولت ترکیه تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را بازگردانده است. آقای کمالوندی تکذیب کردند. آیا ما با یک رفتار روی کاغذ از سوی ترکیه مواجهیم یا اینکه این تحریم‌ها واقعاً اعمال خواهد شد ؟

هر دو طرف درست گفته‌اند. یعنی طرف ترکی واقعاً تحریم کرده و طرف ایرانی هم درست گفته که ما اساساً چنین چیزی در عمل نداشتیم. موضوع این است که ترکیه بر مبنای تحریم‌های شورای امنیت، آنچه را که در لیست شورای امنیت بوده تحریم کرده است؛ فارغ از اینکه این لیست در ترکیه باشد یا نباشد. معنایش این است که لیست در خیلی از کشورها اصلاً وجود خارجی ندارد. مثلاً بانک سپه در ترکیه فعالیت نیست یا کشتیرانی ایران و هند اساساً در ترکیه فعالیتی ندارند. اما چون شورای امنیت این لیست را به همه کشورها ابلاغ کرده، ترکیه هم از آن تبعیت کرده است. این به آن معنا نیست که این نهادها و افراد در ترکیه بلوکه شده‌اند، چون اساساً خیلی از آن‌ها در آنجا نیستند و فعالیتی ندارند. پس سخنان آقای سخنگوی سازمان انرژی اتمی هم از این بابت درست است. بنابراین، این اقدام صرفاً یک رفتار دیپلماتیک و سمبولیک است. از نظر حقوقی و سیاسی، ترکیه در سطح بین‌المللی یک رفتار نمادین انجام داده، فارغ از اینکه از جنبه عملیاتی این اقدام تأثیری بر روابط ایران و ترکیه بگذارد یا نگذارد. ترکیه با این رفتار نمادین به طرف‌های بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل و آمریکا، اعلام کرده از تحریم‌هایی که علیه ایران بازگشته

تبعیت خواهد کرد و به نوعی خود را در این حوزه و در شرایط فعلی در کنار آن‌ها قرار داده است.

ایران و ترکیه چه تعاملاتی دارند و روابط ترکیه بعد از فعال‌سازی اسنپ بک با ایران به چه شکل خواهد بود؟

از سال ۲۰۱۰ یا ۲۰۱۱، بعد از تحریم‌هایی که شورای امنیت وضع کرد (تحریم‌های شش‌گانه علیه ایران)، خیلی از کشورها روابط خودشان را در این سطح و با این شکل قطع کردند. ایران هم در حوزه دور زدن تحریم‌ها روش‌های خود را داشت و دنبال می‌کرد. اتفاقی که افتاده این است که ترکیه در حوزه بین‌المللی آن پیام را به طرف آمریکایی و شورای امنیت فرستاده، اما در برابر روابط دو جانبه باید بگویم روابط ما با ترکیه از نظر تجاری به‌طور رسمی حدود ۱۲،۱۰۰ یا ۱۳ میلیارد دلار است. اگر تجارت چمدانی و توریستی را هم اضافه کنیم-که به ترکیه می‌روند و از آنجا جنس می‌آورند-حدود ۲۰ میلیارد دلار، تجارت با ترکیه داریم. اگر ترکیه بخواهد سخنگویی بیشتری داشته باشد، این ممکن است برای خودش ضررهایی به همراه داشته باشد.

ایران هم در حوزه‌هایی که تحریم است، مسیر خودش را طی می‌کند و با هر کشوری که در این حوزه روابط داشته، همچنان آن را دنبال می‌کند. تغییرات زیادی در وضعیت ایران حاصل نخواهد شد، به‌خصوص اینکه چین و روسیه اعلام کردند از تحریم‌های غیرقانونی و ناعادلانه حمایت نخواهند کرد. یعنی در حوزه راهبردی، ایران روابط خود با چین و روسیه را دنبال خواهد کرد و روابطش با کشورهایی مثل ترکیه در حوزه‌های متعارف خواهد بود و در همان حوزه‌ها مسیر خود را ادامه خواهد داد.

در سطح کلان‌تر، در موقعیتی که تنش‌ها با ایران حد اکثری شده، ترکیه نقش خودش را چگونه تعریف می‌کند؟ آیا ترجیح می‌دهد مثل همین رفتاری که الان انجام داده، مواضع اعلامی و اعمالی‌اش با هم متفاوت باشد؟

متأسفانه با کمی نگرانی باید بگویم با توجه به شرایط فعلی منطقه، در حوزه راهبردی -یعنی در سطح کلان بین‌المللی- اتفاقاتی که طی دو سه سال گذشته در منطقه افتاده و هنوز هم در جریان است، برای بعضی کشورها (کشورهای عربی یا حتی ترکیه) این تصور را ایجاد کرده که مجدداً در حال تغییر خاورمیانه هستیم، یعنی مثل سال ۲۰۰۶

که رایس آمد و «خاورمیانه جدید» را اعلام کرد و ایستگاه اولش هم جنگ حزب‌الله و اسرائیل بود و گفت این درد زایمان خاورمیانه جدید است. همان موقع اردوغان آمد و اعلام کرد من یکی از کارگزاران آمریکا در منطقه برای شکل‌گیری خاورمیانه جدید هستم. تصور من این است با اتفاقاتی که طی دو سال گذشته رخ داده و هنوز هم ادامه دارد، بعضی کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که آمریکا دوباره پروژه خاورمیانه بزرگش را با اسرائیل کلید زده و کم‌کم در حال شکل‌گیری خاورمیانه‌ای است که طرف غربی می‌پسندد. در این صفحه شطرنج، متأسفانه اردوغان ترجیح داده سمت غرب و آمریکا بایستد و پالس خودش را هم با این اقدام به طرف آمریکایی، به ترامپ و به شورای امنیت فرستاد. البته همه کشورها به‌تدریج از این تحریم‌ها پیروی خواهند کرد. بعضی کشورهای بزرگ مثل چین و روسیه که رسماً و علناً اعلام کرده‌اند تبعیت نخواهند کرد، اما کشورهای کوچک‌تر ناچارند تبعیت کنند.

موضوع مهم این است که ترکیه به همراه ژاپن در این خصوص خط‌شکنی کردند؛ یعنی به‌سرعت اعلام کردند ما از این تحریم‌ها پیروی می‌کنیم. هر چند سمبولیک و نمایشی، اما با این اتفاق پیام خودشان را به طرف غربی و آمریکایی رساندند که «ما در جبهه شما هستیم.» این نکته‌ای است که مقامات ما باید به آن توجه کنند و آواشان به رفتارهای منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه در قبال ایران بیش از گذشته باشد. البته هنوز در روابط دو جانبه اتفاق خاصی ندیده‌ایم. تحریم‌ها فقط همان چیزی است که در لیست ذکر شده و آنچه در لیست هست، در ترکیه وجود ندارد. اما باید ببینیم آیا ترکیه این را توسعه خواهد داد و به افراد و شرکت‌هایی که الان فعال هستند و مستقیم در حوزه انرژی اتمی یا نظامی نیستند -اما ممکن است بهانه بیاورند که غیرمستقیم کمک می‌کنند- تعمیم خواهد داد یا نه. آن موقع است که می‌توانیم به‌طور قاطعانه بگویم ترکیه چه جبهه یا چه آرایشی در قبال همسایه خودش ایران گرفته است.

با در نظر گرفتن همین مواضع نمادین می‌بایست چه سازوکارهایی برای روابط دو جانبه با ترکیه باید مدنظر قرار دهیم؟

حوزه اقتصادی ما صادرات گاز به ترکیه است. قرارداد ۲۵ ساله، سال آینده به پایان خواهد رسید و باید دوباره تمدید شود. مهم‌ترین صادرات ما به ترکیه گاز است و ترکیه از ما منافع می‌کسب می‌کند؛ کالاهایی به ایران صادر می‌کند و بحث توریست هم مطرح است. یعنی از رابطه‌ای